

روی مان می‌زنند. موتورهای شان بزرگ است. یک‌بار روی مان زدند، قایق‌مان تکه‌تکه شد و من و خواهر رفتم ته آب. صیادها نجات‌مان دادند.»

اما پیش از این، محمد جوانمرد، معاون صید و بنادر ماهیگیری شیلات هرمزگان از نبود درخواست کتبی برای صدور مجوز گفته بود. «ندادن مجوز به زنان صیاد «هنگام» صحت ندارد. تاکنون درخواست کتبی آنها برای صدور مجوز صیادی به اداره شیلات قشم و استان ارسال نشده است.» البته علی‌اکبر گرجی، معاون ارتباطات و پیگیری اجرای قانون اساسی معاونت حقوقی ریاست جمهوری بیست‌وپنجم خرداد در نامه‌ای خطاب به رئیس سازمان شیلات ایران، ممانعت از صدور مجوز صید زنان ماهیگیر را غیرقانونی و برخلاف قانون اساسی دانسته بود: «قطعا شغل صیادی و اشتغال‌زایی برای زنان در منطقه هنگام (قشم)، به دلیل جایگاه زنان در نظام خانواده به‌ویژه زنان سرپرست خانوار و جلوگیری از تبعات منفی ناشی از بیکاری، حائز اهمیت است و باید به فعالیت اقتصادی و اشتغال‌زایی زنان در این منطقه توجه خاصی مبذول شود، بنابراین مقتضی است سازمان شیلات ایران اقدامات شایسته و مناسبی برای تسهیل مجوز صید برای زنان ماهیگیر آن منطقه اتخاذ کند تا از نقض صریح قانون اساسی و سایر قوانین جلوگیری به عمل آید.» اسحاق تندرو، مدیرعامل اتحادیه صیادان هرمزگان و رئیس هیأت‌مدیره اتحادیه صیادان کل کشور در گفت‌وگو با «شهرود» می‌گوید سهمیه‌بندی شدن یا نشدن بنزین تفاوتی در رویه صیادان زن نداشته و ندارد؛ صیادانی که روزگاری با بنزین یک‌هزار تومانی دل به دریا می‌زدند و حالا باید بنزین ۳ هزار تومانی به خورد قایق‌شان بدهند برای تور انداختن. «طرح‌هایی در گذشته پیگیری شده برای مجوز دادن به صیادان و در همه این سال‌ها تلاش برای دادن مجوز به زنان بوده، اما متأسفانه هنوز به نتیجه نرسیده است؛ اگرچه صیادان زن مانند مردان همیشه در دریا نیستند. این افتخار ماست که زنان با سرمایه‌های شخصی‌شان اشتغال‌زایی کرده‌اند، بنابراین باید از آنها حمایت شود. مجوز دادن به این صیادان بزرگ‌ترین حمایتی است که می‌توان داشت.»

۱۲۰۰ لیتر کافی نیست

مجوزدارها اجازه ثبت‌نام پیدا کرده‌اند، بعد از گذشت سه‌ماه. مدارک صیادان روی میزهای شورا تلنبار شده است برای ثبت‌شدن در سامانه. هوشنگ عباس‌نژاد، عضو شورای شهر جزیره هنگام یکی از کسانی است که مسئولیت ثبت‌نام صیادان را دارد. «فعلا گفته‌اند صیادان ثبت‌نام کنند. فعلا بنزین ۳ هزار تومانی می‌زنند، چون چیزی برای سهمیه در نظر نگرفته‌اند.»

روزگاری صیادان جزیره «هنگام» به ۱۱۰ نفر می‌رسیدند؛ صیادانی که تنها ۶۰ نفرشان مجوز صید داشتند و حالا بنزین گران، هزینه‌های سنگین تمدید مجوز و تعمیرات قایق مجبورشان کرده دست از صید بردارند؛ برای همین ۴۰ صیاد مجوز و قایق‌شان را فروختند تا سه‌چرخ بخرند و ماشین برای مسافرکشی. حالا «هنگام» فقط ۲۰ صیاد مجوزدار دارد. «با این بنزین معلوم نیست چه می‌شود. صیادان شانس زیادی برای صید ندارند در دو، سه مایلی «هنگام». گاهی اوقات صیادان دست‌خالی برمی‌گردند و حتی ماهی‌خانه راهم ندارند. ۱۲۰۰ لیتر کافی نیست.»

شورا و تعاونی صیادان مسئول جمع‌آوری مدارک ثبت‌نام شده‌اند؛ ثبت‌نامی که باید چشم‌انتظار دستور شیلات بماند برای آمدن دفترچه تردد صیادان؛ زمان بر است. «هنگام» پمپ بنزین ندارد. سهمیه بنزین که واریز شود، صیادان سه‌کیلومتر باید راه بروند سمت اسکله «کندالو» برای تهیه بنزین و سه کیلومتر برگردند «هنگام». خود این مسیر بنزین می‌خواهد.»

تعطل و خانه‌نشینی صیادان

ثبت‌نام مجوزدارها را شرکت تعاونی صیادی انجام می‌دهد. اسحاق تندرو، مدیرعامل اتحادیه صیادان هرمزگان و رئیس هیأت‌مدیره اتحادیه صیادان کل کشور در گفت‌وگو با «شهرود» خبر از ثبت‌نام جامعه صیادی می‌دهد: «مشکل در شرکت نفت است، متأسفانه امروز و فردا می‌کنند. تا این لحظه دست‌مان به دعا بلند است تا قطره‌ای از بنزین سهمیه‌ای نصیب صیادان‌مان شود، اما همچنان سنگ‌اندازی‌های وزارت نفت ادامه دارد و اعلام کرده سهمیه‌ها را فقط به جایگاه‌های سوخت می‌دهد، بنابراین تعاونی‌های صیادان برای گرفتن سهمیه باید تقاضای جایگاه سوخت بدهند. این راه حل با عقل جور در نمی‌آید. تقاضا و راه‌اندازی جایگاه سوخت کار یک‌روز و یک‌ماه نیست.»

وقتی صحبت از سهمیه‌بندی بنزین شد، جلساتی با حضور کارشناسان شکل گرفت تا سهمیه صیادان مشخص شود؛ سهمیه‌ای که به اعتقاد تندرو کم است و تنها به دلیل همیاری و همکاری با دولت با سهمیه ۱۲۰۰ لیتری موافقت شده است. «۱۲۰۰ لیتر را قبول کردیم، درحالی‌که هر قایق روزانه ۶۰ لیتر سوخت نیاز دارد؛ سوختی که با توجه به بُعد مسافت افزایش پیدا می‌کند. اما با وجود این، همان سوخت توافق‌شده به دست صیادان نرسیده و هنوز با همان بنزین ۳ هزار تومانی می‌روند صید. وزارت نفت برای به تعویق انداختن سهمیه صیادان گفته نمی‌تواند بنزین را در بشکه و در جاده ارایه دهد. این درحالی‌است که می‌توان از جایگاه‌های سوخت موجود استفاده و صیادان را به آنها معرفی کرد. وزارت نفت توپ را به زمین تعاونی‌ها انداخته تا روند کار کندتر پیش برود.»

او می‌گوید ماهی‌های صید شده که روی ترازو می‌روند تنها خرج رفت و سوخت درمی‌آید و سودی عاید صیاد نیست: «صیادان توان خرید سوخت ۳ هزار تومانی را ندارند و باید از وزارت نفت پرسید چرا در دادن سوخت صیادان کوتاهی می‌کند؟! سوختی که براساس اعلامیه ستاد سوخت از بین می‌رود و برای صیادان ذخیره نمی‌شود، ضمن اینکه صیادان سوختی نداشتند.»



الناز محمدی
شهرود



درآمد صیادان مرد و زن جزیره هنگام با بنزین ۳ هزار تومانی نزدیک به هیچ است

قایق‌هایی سهمیه به دریا نمی‌روند

📍 [لیلا مهداد] «بنزین آزاد زدیم و قایق‌ها را ر انداختیم به آب. خانه نان

می‌خواهد.» زندگی «آصف» با دریا گره خورده. همیشه صیاد بوده و جوانی را روی عرشه لنج‌های گازوییلی گذرانده؛ ۶ لنج خسته از موج دریا و راه دور آب‌های عمان و خلیج فارس به ساحل «هنگام» می‌رسیدند برای آرام‌گرفتن. لنج‌های پر از ماهی. ماهی‌هایی که نمک سود می‌شدند برای پذیرایی از مشتری‌هایی که گاهی گذرشان به جزیره «هنگام» نزدیک جزیره قشم می‌افتاد.

آصف زندگی‌اش با بوی گازوئیل و ماهی و حالا با بنزین گره خورده. مرد دریا، موج‌ها و توفان‌های زیادی را پشت‌سر گذاشته. خردشدن لنج‌ها را در جنگ با صخره‌ها دیده، شاهد تورهایی پر از ماهی بوده و روزهایی هم دست‌خالی تن خسته‌اش را به خانه رسانده اما حالا هراس نرفتن به دریا دارد. «با روزی ۶۰ لیتر بنزین نمی‌شود رفت صید. کمی صید گذرانم را به ایابوموسی و... می‌اندازد. مجبور به راه دوریم. راهی که ۱۰۰ لیتر برای رفتن می‌خواهد و ۱۰۰ لیتر برای برگشت؛ این یعنی ۲۰۰ لیتر برای یک‌بار صید.»

از کودکی روی آب بوده. لنج‌های پیر که رفتند، قایق موتوری‌ها آمدند و حالا جای‌شان را به فایبرگلاس‌ها دادند. «گفتند ۳۰۰ لیتر. با ۳۰۰ لیتر نمی‌شد تکان خورد. ارزش ثبت‌نام هم نداشت.»

آبان‌ماه که بنزین دونرخی شد، سهم صیادان مشخص نبود؛ انگار آینده‌ای بی‌صید و تور و دریا برای آنها نامیدی در دل‌شان خانه کرد تا اینکه دل بستند به سهمیه‌بندی. اما از فهرست سهمیه‌بندی جا ماندند برای همین شروع کردند به چانه‌زنی برای ۸ هزار قایق مجوزدار صیادی که با بنزین ۳ هزار تومانی نمی‌توانند دل به دریا بزنند. رئیس اتحادیه صیادان استان خوزستان هم همان روزها از تعلق نگرفتن یک لیتر بنزین سهمیه‌ای به صیادان گفت: «با گرانی بنزین، صیادان زیادی نمی‌توانند به دریا بروند. صید با بنزین ۳ هزار تومانی نمی‌صرفد.» چانه‌زنی‌ها و رفت‌وآمدها دوباره شروع و نتیجه‌اش شد ۲۰۰ لیتر برای هرماه. شورا‌های شهرهای ساحلی مأموریت گرفتند برای ثبت‌نام صیادان در سامانه آسان‌تجارت. آنها مدرک آوردند و ثبت‌نام کردند برای سوخت سهمیه‌ای.

پرویز محبی، سرپرست معاونت صید و بنادر ماهیگیری سازمان شیلات ایران، هم آذرماه از امرمعاش ۳۰ هزار نفر با قایق صیادی گفته بود: «براساس برآورد ما در سازمان شیلات، حداکثر نیاز ماهانه هر شناور صیادی به بنزین حدود ۱۴۰۰ لیتر است که دستگاه‌های ذری‌بظ هم با اختصاص حدودا همین مقدار سوخت موافقت کردند. در صورتی که فرآیند ثبت‌نام صیادان تا پایان ماه به اتمام برسد، امیدواریم از ماه آینده سهمیه بنزین پارانه‌ای صیادان اختصاص یابد.» آصف صیاد دریای جنوب اما آهی می‌کشد و می‌گوید: «بعد از گذشت ماه‌ها از سهمیه‌بندی، تازه نوبت ثبت‌نام ما رسیده. خانه بی‌نان نمی‌تواند بماند. با این کسادی صید، ماهی ۲ هزار لیتر برای صیاد خوب است.» یعقوب دوچی، رئیس اتحادیه صیادی کل کشور اما در گفت‌وگو با «شهرود» در میان این ناامیدهای به صیادان وعده می‌دهد: «اطلاعات صیادان مجاز، ثبت و روند کار برای تخصیص بنزین به آنها آغاز شده است. سهمیه بنزین صیادان به‌زودی در نظر گرفته می‌شود.»

قایق‌های صیادان حالا هنوز از بنزین ۳ هزار تومانی پر می‌شوند و می‌زنند به دل آب‌ها اما راه دوری نمی‌روند، چند مایل دورتر از ساحل؛ جایی که تورها باید ساعت‌ها چشم‌انتظار ماهی‌ها بمانند.

هر بار ۴۰۰-۵۰۰ کیلو ماهی بیشتر خوراک تورها نمی‌شود

مدارک میان انگلستان استخوانی دست‌های «ایمان» جا مانده‌اند به امید ۲۰۰ لیتر بنزینی که قرار است یک ماه نان خانه را بدهد. «با بنزین هزارتومانی ۱۵-۲۰ مایل دورتر از «قشم» تور می‌ریختیم اما با بنزین ۳ هزار تومانی پنج‌مایل بیشتر نمی‌توانیم برویم.» همه چشم امید صیادان به دریاست. دریایی که روزگاری قایق و لنج‌ها پر از ماهی را روانه ساحل می‌کرد. قایق‌ها و لنج‌ها دور از چشم خورشید به دریا می‌زدند و قبل از رسیدن خورشید به میانه آسمان در ساحل لنگر انداخته بودند.

لنج‌ها دیگر نیستند، قایق‌ها هم بیشترشان فروخته شدند برای مرهم گذاشتن روی دردهای زندگی. ایمان صیاد اهل قشم می‌گوید: «قایق‌ها را فروختند و دنبال دیگران می‌روند دریا. چهار، پنج‌نفری روی یک قایق کار می‌کنیم. قبل آبان‌ماه، هزینه بنزین و روغن می‌شد ۱۲۰ هزار تومان و حالا با سه‌برابر شدن آن همه چیز خیلی سخت شده. با سهمیه‌بندی غریبه نیستیم. قبل بنزین هزارتومانی، ماهی ۱۸۹ لیتر بنزین سهمیه داشتیم؛ خیلی هم خوب بود. اگر یادم باشد هر بار ۴۰۰ تومان بنزین می‌زدیم بعد شد هزارتومان و حالا هم ۳ هزار تومان.»

روزی صیاد به مهربانی دریاست. آرام بودن دریا یعنی ۲۲ تا ۲۵ روز دل به آب‌زدن و تور ریختن. «۱۲۰۰ لیتر برای صیاد کم اما از هیچی بهتر است. ۲۰۰ لیتری که باید برای هر لیترش ۱۵۰۰ تومان بدهیم ولی از ۳ هزار تومان به‌صرفه‌تر است. با بنزین هزارتومانی کاروکاسبی خوب بود. ماهی دومیلیون و پانصد ما می‌بردیم خانه و کارگرا یک میلیون و چهارصد هزار تومان. الان روغن ۲۵ هزار تومانی ۴۰ هزار تومان شده و هر صید یک‌ونیم تا دو لیتر روغن می‌خواهد. استهلاک موتور هم هست. در ماه‌های گذشته به زحمت نفری یک میلیون تومان برده‌ایم خانه.»

چندماهی است آب‌های دور، دلتنگ قایق‌هایند و قایق‌ها دلتنگ صیدهای ۲۰۰-۴۰۰ کیلویی. صید کم شده و هر بار ۴۰-۵۰ کیلو ماهی بیشتر خوراک تورها نمی‌شود. «با بنزین ۳ هزار تومانی رفته‌ایم صید و دست‌خالی برگشته‌ایم. دریاست؛ خیر نمی‌دهد. قبل از آبان هر بار ۲۰۰-۴۰۰ کیلو صید داشتیم اما الان نمی‌توانیم برویم. بنزین گران شده و همه اطراف قشم صید می‌کنند. برای ماهی‌ها مشتری هست، مشکل رفت‌وآمد به دریاست.»

قایق‌های بزرگ بی‌مجوز هم فلای جان صیادان و دریا شده‌اند، قایق‌هایی که دریا را شخم زده‌اند، از قشم تا سلخ؛ فله‌ای ماهی می‌گیرند و می‌فروشند و سود می‌برند. کاروکاسبی‌شان خوب است؛ مثل ما نیستند که. چندباری رفتم شیلات برای شکایت. گفتند از ۵۰۰ قایق بزرگ تنها ۲۰۰ قایق مجوز دارند. هر بار شکایت بردیم شیلات گفت پیگیری می‌کنیم اما روز به روز بیشتر می‌شوند؛ قایق‌هایی که هرکدام ۱۰۰ میلیون می‌ارزد.»

مجوزداشتن به جرم زن بودن

نقاب‌های سوزن‌دوزی‌شده چشم‌های زنان جزیره هنگام را قاب می‌گیرند. لباس‌های سبز، زرد، نارنجی و سرخ‌شان به آبی دریا رنگ می‌پاشد. دختر روسری سبز سوزن‌دوزی‌شده‌اش را پشت گردن رها می‌کند و سکاندار قایق کوچک می‌شود مادر قلاب و تور را آماده می‌کند تا به خورد دریا بدهد؛ برای صید زندگی حلال. «صغری» یکی از ده‌ها زن صیاد جزیره است. صیادی را از پدر آموخت و بار اول با قایق پارویی‌اش دل به دریا زد برای صید. «سهمیه‌بندی بنزین نصیب زنان نمی‌شود؛ به جرم زن بودن.»

بعد از گرانی بنزین هیچ زنی قایق به آب نینداخت و سرگرم سوزن‌دوزی و پختن سمبوسه شد برای مسافرانی که محو زیبایی «هنگام» شده‌اند. «از وقتی ۳ هزار تومان شد، نرفتم اما مجبور به رفتیم. در جزیره تنها افتاده‌ایم. کسی به دامن نمی‌رسد.» «صغری» این روزها دل‌خوش به قلاب انداختن و ماهی گرفتن از کنار ساحل است. «فصل مسافر غرقه‌نشین می‌شویم. من سمبوسه می‌پزم و دخترم نقاب می‌فروشد. غروب‌ها هم با قلاب ماهیگیری می‌کنم. زنان ماهیگیر جزیره هنگام هیچ‌وقت سهمیه نداشته‌اند چون مجوز صید ندارند. ۲۲ زن صیاد داریم که مثل مردها و پاهای‌پای آنها صید می‌روند، اما مجوز نمی‌دهند. همه‌جا رفتم، بندر، قشم، حتی تا تهران هم رفتم. می‌گویند مجوز می‌دهیم، اما نمی‌دهند. وقتی مجوز نداریم سهمیه که هیچ، حتی وام هم نمی‌توانیم بگیریم برای تعمیر قایق و موتورها.» بنزین گران پای قایق‌ها را از آب‌های دور برید تا مجبور به تور ریختن کنار ساحل باشند. «تور زیاد شده و صید کم. قایق‌های بزرگ بی‌مجوز که ساردین صید می‌کنند، فلای جان‌مان شده‌اند. جرأت نمی‌کنیم برویم دریا. قایق‌های بزرگ